



روزنامه جوان | شماره ۵۰۲۶

دورنما

دکتر سید نعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

ترامپ پا جای پای اوباما می‌گذارد

روابط امریکا با چین در مسیر بحران



دونالد ترامپ از سه هفته پیش که به کاخ سفید وارد شد با دست کم ۱۸ رهبر خارجی تماس تلفنی داشته اما تا همین چهار شنبه اخیر تماسی با شی چین پینگ، رئیس‌جمهور چین نداشت و در این روز بود که نامهای به پکن فرستاد تا پاسخی به تبریک چین پینگ به مناسبت مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری‌اش داده باشد. ترامپ علاوه بر این پاسخ، آغاز سال نوی چینی را به چین پینگ تبریک گفته و نسبت به گسترش رابطه‌ای سازنده به نفع هر دو ابراز امیدواری کرده است. هر چند وزارت خارجه چین قدرنالی کشورش را از نامه ترامپ اعلام کرده اما این نحو عمل ترامپ و فرستادن نامه‌ای با عباراتی کلی و خشک باعث شده که برخی از تحلیل‌گران ارسال آن را در همان جهت سیاست تنش‌زای ترامپ در برابر چین ارزیابی کرده و برای مثال، روزنامه انگلیسی گاردین نوشت بر مکالمه‌های تلفنی ترامپ با دیگر رهبران جهانی گذاشته که او از این کار در مورد جین پینگ خودداری کرده جدای از ۱۱۲ توتیتی است که او در مورد یا خطاب به آنها در صفحه توییترش گذاشته اما وقت چنین کاری برای رئیس‌جمهور چین نداشته است. این سؤال‌ها و نگرانی‌ها باعث می‌شود تا نه تنها تردیدهایی جدی در مورد ادعای ارزیابی‌شده به خصوص اینکه ترامپ همزمان با فرمان اجرایی اخیرش در مورد محدودیت‌های مهاجرتی برای هفت کشور، محدودیت‌هایی هم برای سفر چینی‌ها به امریکا وضع کرده که البته مثل آن مورد سر و صدایی در پی نداشته است.

■ **میراث اوباما**

ترامپ چه در کارزار انتخاباتی خود و چه بعد از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری‌اش به نحو مستمری لحن ضدچینی را به کار بسته تا آنجا که گویازا نظر او، یکی از مسیبین اصلی سقوط یا دست‌کم ضعف امریکاهمین چینی‌هایی هستند که سرمایه امریکایی را ازدیده و به کشور خود برده تا اقتصاد خود را با آن شکوفا بکنند. این نحو موضع ضد چینی می‌توانست مقطعی و در حد یک دیدگاه

رویکرد

احمد کاظم‌زاده

با انتشار گزارش جدید سازمان ملل درباره تشدید وخامت اوضاع انسانی در یمن این سؤال مطرح است که آیا انتشار این گزارش در بیدار کردن وجدان‌های خفته در جامعه جهانی و وادار کردن آن به اتخاذ راهکارهای عملی تأثیرگذار خواهد بود یا به روال گذشته قربانی زد و بند سعودی‌ها با محافل قدرت در غرب و سازمان ملل خواهد شد؟ یا وجود اینکه چند روز از انتشار این گزارش می‌گذرد اما هنوز پاسخ درخور به آن داده نشده است که این جای بس تأسف و تأثر دارد و آنچه این تأسف را بیشتر می‌کند این است که طبق این گزارش این غیرنظامیان و به‌خصوص کودکان یعنی هستند که نقاش حملات کور هوپاماهای سعودی را می‌پردازند. طبق این گزارش در حال حاضر ۱۲ میلیون نفر در یمن با خطر قحطی مواجه هستند و ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر نمی‌دانند وعده غذایی بعدی خود را از کجا به دست خواهند آورد. از این تعداد حدود ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از جمله ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار کودک از سوءتغذیه شدید رنج می‌برند و در این میان ۴۶۰ هزار کودک زیر پنج سال بدترین سطح سوءتغذیه مواجهند و با خطر مرگ بر اثر التهاب ریوی یا اسهال تهدید می‌شوند. در آمارهای رسمی آمار کشته شدن یمنی‌ها در جریان حملات نظامی عربستان حدود ۱۱ هزار و ۵۰۰ نفر اعلام می‌شود اما واقعیت این است که آمار کشته‌ها خیلی بیش از اینهاست و همچنانکه نماینده سازمان ملل نیز به‌درستی اعلام کرده بسیاری در سکوت و در منازل خود می‌میرند و بیش از آنکه مرگ آنها ثبت شود دفن می‌شوند. صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) نیز در آخرین گزارش خود از مرگ حدود ۶۲ هزار کودک یمنی در سال گذشته برده بر داشته است که از بیماری‌های قابل پیشگیری که اغلب با سوءتغذیه مرتبط بود جان خود را از دست دادند و با احتساب این آمار کشته‌های حملات عربستان به یمن به حدود ۷۵ هزار نفر می‌رسد و با احتساب دفن‌شدگان ثبت نشده شاید از یکصد هزار نفر فراتر رود. در واقع آمار واقعی کشته‌شدگان زمانی معلوم می‌شود که بعد از پایان جنگ سرشماری عمومی از سوی دولت یمن صورت گیرد اما هنوز آفتی برای پایان جنگ دیده نمی‌شود و عربستان

جهان

سراسر بین‌الملل ۸۸۹۸۴۴۴

این سال‌ها دامه داشته و سطح این روابط آن قدر بالا نبوده که تا یوان توانسته با تکیه بر آن در برابر پکن و بارگشت به موطن اصلی خود مقاومت کند. به نظر می‌رسد که این دست تحلیلی و گزارش‌های بیشتر برای توجه ترامپ به چندین دهه سیاست دوگانه واشنگتن در برابر چین واحد است تا از یک طرف اصل کاری‌تی برای چانه‌زنی یا پکن در دست واشنگتن باقی بماند. روشن است که اصرار ترامپ به نادره به گرفتن چین واحد کارت تا یوان را از دست واشنگتن خارج می‌کند و امکان چانه‌زنی واشنگتن در برابر پکن را آن قدر کاهش می‌دهد که دیگر راهی جز زورروی نظامی بین دو طرف باقی‌نماند و به همین جهت است که البور شسل، رئیس گروه متحد چین‌شناسان گفته‌است: «ما در وضعیت بحرانی قرار داریم. روابط دو کشور بیش از پیش رو به خصومت گذاشته است. امریکا باید تلاش‌های مضاعفی را به کار بندد تا مذاکرات با پکن در بالاترین سطح آغاز شوند. در غیراین صورت، خطر بروز جنگ بین دو کشور بسیار واقعی است.»

■ **تندروهای در سایه**

در برابر چنین توصیه‌هایی باید به عناصری توجه کرد که همراه ترامپ به کاخ سفید وارد شده‌اند و در نظر بسیاری از تحلیلگران، همین عناصر را باید از عوامل مؤثر در تصمیم‌های ترامپ دانست. یکی از این افراد استیو کوبن بنن است که گفته می‌شود ترامپ در سخنرانی مراسم تحلیفش متنی را خواند که توسط همین بنن و استفان میلر، مشاور ارشد ترامپ، نوشته شده بود. تا زمانی تحلیلی پولوتیکو نقش این دو طی روزهای اخیر را به این صورت ترسیم کرده است: «به گفته افراد آشنا با فرآیندهای تصمیم‌گیری در کاخ سفید، آنها (بنن و میلر) مسئول تدوین نقشه عمل برای هفته‌های اول ترامپ در کاخ سفید، تدوین دستورات اجرایی و یادداشت‌ها و نیز تصمیم درباره این موضوع هستند که ترامپ هر سند جدید را چه زمانی امضا کند.» همین دو تن بودند که در ماجرای ممنوعیت ورود مهاجرین، تفسیر وزارت امنیت داخلی امریکا را رد کرده و اجازه ندادند حتی صاحبان کارت سبز امریکا هم به‌این کشور وارد بشوند. بنن با این میزان نفوذ بر ترامپ و دولتش از یک چین توسعه‌طلب می‌گوید: «ما در پنج تا ۱۰ سال آینده در دریای جنوب چین وارد جنگ خواهیم شد. هیچ شکی ندارم. آنها جزایر شنی شان را تبدیل به نواحی هواییمبارسنگون کرده و روی آنها موشک قرار می‌دهند. آنها به اینجا آمده، به چشم‌انمان نگاه کرده و می‌گویند اینجا دریایی است که از قدیم کامروما بوده.» این دو بنن آشکارا هیچ تفاوتی با لحن ترامپ ندارد که با توجه به دیگر مشترکات او با ترامپ باید دید نقش و تأثیر افرادی مثل گراش در کاخ سفید تا آن حدی بود که بر گزارش‌هایی مثل گزارش ۷۲ نفره پیشکش سایه بیندازد. دیگر برخی با وجود بی‌تجربگی سیاسی ترامپ امید دارند که رفته رفته و تحت تأثیر مشاوره افراد انگریز به باوضاع و احوال آشنا شده و از این رفتار عجولانه، بی‌منطق و ستیزه‌جویانه خود فاصله بگیرند اما آنچه به نفوذ بالای بنن و میلر بر ترامپ مثل این دو، نمی‌توان چندان امیدی به این اتفاق داشت بلکه باید دید امکان سر عقل آمدن این افراد تا چه حد است تا انتظار سر عقل آمدن ترامپ را داشت. نکته جالب در وجه نازدیرپه‌تر است و افراطی مذهبی این افراد است که برای مثال، همین بنن چین‌ستیزی خود را رنگ مذهبی زده و با ادعای سرکوبی مسیحیت توسط چین می‌گوید: «آنها (چینی‌ها) از مسیحیت بیشتر از هر چیز دیگری می‌ترسند!»

درد

ترامپ چه در کارزار انتخاباتی خود و چه بعد از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری‌اش به نحو مستمری لحن ضد چینی را به کار بسته تا آنجا که گویا از نظر او، یکی از مسیبین اصلی سقوط یا دست‌کم ضعف امریکا همین چینی‌هایی هستند که سرمایه امریکایی را از دیده و به کشور خود برده تا اقتصاد خود را با آن شکوفا بکنند

■ **تنش همراه با احتیاط**

چین‌شناسان امریکایی در این گیرودار به کمک ترامپ آماده‌اند تا ترامپ در تقابل با چین کمک کنند. یک نمونه این کمک در یک همکار مشترک بین اندیشکده‌های مرکز روابط امریکا و چین با مدرسه سیاست جهانی و راهبردی در دانشگاه کالیفرنیا امریکا و بتگارش یک گزارش ۷۲ صفحه‌ای انجام شده که کارشناسان ارشد این دو اندیشکده در گزارش خود و ضمن تشریح ادعای سعی کرده‌اند راهکارها و پیشنهادهایی به ترامپ بدهند. به طور کلی، گزارش این دو اندیشکده بر مبنای دو جهت تنش و احتیاط است به نحوی که در عین حفظ خاموشی شدید لحن در برابر چین از ترامپ خواسته شده تا موضع امریکازا زمان ریچارد نیکسون در برابر چین واحد را در نظر داشته باشد. مسئله استقلال جزیره تایوان یا بازگشت آن به دست و سفر اخیر جیمز ماتیس، وزیر دفاع جدید امریکا، به کره جنوبی و ژاپن نشان آشکاری بر تدوام میراث ضد کشته‌های جنگی این جرم بین‌المللی در واقع رفتارهایی هستند که منجر به نقض شدید کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و همچنین رفتارهایی هستند که مقررات و عرف حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی را تهدید می‌کنند. رفتارهایی از جمله قتل عمدی، فراهم آوردن رنج یا صدمه شدید جسمانی و روانی به افراد، اقدامات علیه کرامت انسانی مانند تحقیر و توهین به وی‌ئی‌تی در منطقه خودداری بکند.

وجدان جهان در یمن چه وقت بیدار می‌شود!؟

افراد، حملات عمدی علیه غیرنظامیان، تخریب و حمله به اماکن و زیرساخت‌های غیرنظامی مانند بیمارستان‌ها، تأسیسات، خودروها، ساختمان‌های مذهبی، آموزش، درمانی و بیمارستان‌ها و... از مصادیق جنایات جنگی است که همه ما در طول این مدت شاهد جنایات جنگی نظامیان عربستان در مصادیق رفتارهای مذکور هستیم. به ویژه اینکه عربستان زیرساخت‌های غیرنظامی یمن را به صورت عمدی و به کرات بمباران کرده است. بمباران فرودگاه صنعا برای مانع از فرود هواییمباری ایرانی حامل کمک‌های انسان‌دوستانه از جمله این موارد است. همچنین جنایت علیه بشریت عنوان مجموعه رفتارهایی است که می‌باشد که به موجب ماده ۷ اساسنامه رم، جرم‌انگاری شده است. به موجب این ماده، جنایت علیه بشریت مجموعه اعمالی است که در وضعیت گسترده یا سازمان‌یافته و در پی مقاصد یک دولت، علیه جمعیت غیرنظامیان ارتکاب می‌یابد. قتل افسراد غیرنظامی از جمله کودکان و زنان مهم‌ترین عملی است که به وضوح به عنوان مصداق جنایت علیه بشریت در یمن اتفاق



شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۵ | ۱۳ جمادی‌الاول ۱۴۲۸ |

نگاهی به اقدامات رئیس‌جمهور جدید علیه همسایگان جنوبی و مسلمانان

امریکا در محاصره ترامپ

رویکرد

دکتر سید رضامیر طاهر

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری جدید امریکا روز چهارشنبه ۶ بهمن (۲۵ ژانویه) با صدور حکم و بزای طرح ساخت دیوار مرزی میان امریکا ومکزیک و تعیین مقررات جدید برای جلوگیری از ورود برخی از مهاجران را امضا کرد. به گفته ترامپ، دولت مکزیک در نهایت به شکلی هز هزینه‌های مربوط به این دیوار مرزی را که قرار است به طول ۳۲۰۰ کیلومتر میان دو کشور کشیده شود، تقبل خواهد کرد. هدف ترامپ شروع هر چه سریع‌تر این طرح است. وی پیش‌بینی کرده که ظرف چند ماه آینده عملیات اجرای آن آغاز خواهد شد. اقدام ترامپ در راستای دیگر اقداماتی است که وی در جریان مبارزات انتخاباتی وعده انجام آنها را داده بود. از جمله وعده‌های مهم وی، ساخت دیوار بین امریکا و مکزیک بود که در جریان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری امریکا بارها بر آن تأکید کرد. با این حال اجرای این طرح و آثار این اقدام فقط محدود به امریکانست، بلکه در وهله نخست کشور مکزیک در مرزهای جنوبی امریکا و در وهله بعدی کشورهای امریکا مرکزی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. یکی از جنبه‌های غیرعادی طرح احداث دیوار مرزی بین امریکا و مکزیک، چگونگی تأمین هزینه ساخت آن است. ترامپ مدعی شد که قادر خواهد بود این هزینه‌ها را از محل مبادلات مالی با مکزیک تأمین کند. با این حال این مسئله کاملاً غیر منصفانه و غیر منطقی است. ترامپ تأکید کرده که اگر مکزیک حاضر به پرداخت هزینه احداث دیوار مرزی نشود، حاضر به دیدار با رئیس‌جمهوری مکزیک نخواهد بود. این مسئله منجر به تشدید تنش‌های سیاسی و خشم فزاینده در کشور شده است. در کنار این اقدام، دستور ترامپ برای سخت‌گیری بیشتر علیه مهاجران که اکثریت قریب به اتفاق آنها را لاتین تبارها تشکیل می‌دهند، نگرانی کشورهای امریکای لاتین را مضاعف کرده است. کماینکه در نشست سران کشورهای امریکای لاتین و حوزه کارائیب، سران و مقامات شرکت‌کننده بعد از آگاهی از امضای طرح ساخت دیوار در مرز مکزیک و نیز لزوم حمایت از سفرهای پناهندهنده به مهاجران غیرقانونی در امریکا، دستور کار این نشست را تغییر دادند. این مقامات نگران آن هستند که اجرای سیاست‌های ترامپ نه فقط در زمینه مناعت از ورود مهاجران، بلکه اقدامات حمایت‌لایه وی در راستای تقویت اقتصاد امریکا که با مواردی مانند افزایش مالیات‌ها و تعرفه‌ها بر کالاها ساخت کشورهای امریکای لاتین و به ویژه مکزیک صورت خواهد گرفت موجب شود که ساختار کنونی روابط متقابل اقتصادی و امریکای لاتین با امریکا دستخوش تغییرات اساسی شود؛ تغییری که صرفاً به ضرر کشورهای امریکای مرکزی و جنوبی خواهد بود. کماینکه راتول کاسترو رئیس‌جمهور کوبا در این زمینه تصریح کرد که سیاست‌ها و برنامه‌های دولت جدید امریکا، منافع کشورهای امریکای لاتین را در معرض خطر قرار می‌دهد. به همین دلیل نگاه غالب در این نشست در جهت مخالفت با سیاست‌های اقتصاد حمایتی و مرزهای بسته بود؛ سیاستی که ترامپ ظاهراً عزم جدی برای اجرای آن دارد.

■ **فرمان ممنوعیت ورود مسلمانان**

بر اساس فرمان اجرایی دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری امریکا تحت عنوان «حفاظت از ملت در مقابل ورود توریست‌های خارجی به ایالات متحده» که روز جمعه ۸ بهمن (۲۷ ژانویه) به امضای وی رسید، صدور روادید برای اتباع کشورهای به‌مطلاح «مضر برای ایالات متحده» به مدت ۹۰ روز تعلیق شده است. این بازه زمانی در پیش‌نویس فرمان ۳۰ روز بود. این فرمان شامل حال اتباع دست‌کم هفت کشور ایران، عراق، سوریه، یمن، لیبی، سودان و سومالی می‌شود. این فرمان همچنین برنامه پذیرش پناهنجویان به امریکا را نیز به مدت ۱۲۰ روز تعلیق می‌کند و سقف پذیرش پناهجو را ۵ درصد کاهش می‌دهد. ترامپ در واقع در راستای وعده‌های انتخاباتی خود مبنی بر جلوگیری از ورود مسلمانان به امریکا فرمان اجرایی اخیر را صادر کرد. بهانه وی جلوگیری از ورود افرادی به امریکا است که احتمال مبادرت به عملیات تروریستی از جانب آنها وجود دارد، با این حال پرسشی که مطرح است این است که با توجه به بسابق اقدامات تروریستی چند سال اخیر در امریکا، آیا اتباع کشورهای هفت‌گانه در این مذاخله داشته‌اند یا اینکه بسیاری از تروریست‌هایی که مبادرت به این گونه اقدامات کرده‌اند، از اتباع کشورهای دوست امریکا بوده‌اند. مثال بارز این مسئله تروریست‌های حامل حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بودند که به ادعای مقامات امنیتی امریکا ۱۵ نفر از ۱۹ عامل حملات ۱۱ سپتامبر از اتباع عربستان سعودی بودند. عاملان حادثه تروریستی سن برناردینو کالیفرنیا در ۲ دسامبر ۲۰۱۵ نیز، زن و شوهری پاکستانی بودند و با عامل حادثه تروریستی اولانود در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۶ که ۵۰ کشته بر جای گذاشت یک امریکایی افغان تبار بود. بدین ترتیب مشخص می‌شود هدف واقعی ترامپ از صدور این فرمان اجرایی بیش از اینکه به‌اصطلاح جلوگیری از ورود تروریست‌ها به خاک امریکا باشد، تحت فشار قرار دادن اتباع کشورهای است که روابط پرتنش با امریکا دارند. این فرمان به فهرست «دولت‌های حامی تروریسم» که ترامپ «تهدیدی فوق‌العاده» به شمار آمده و امریکا علیه آنها وضعیت اضطراری اعلام کرده و همچنین کشورهای حاضر در فهرست «کشورها یا مناطق مایه نگرانی» وزارت امنیت داخلی قرار دارند یعنی هفت کشور فوق‌الذکر اشاره شده است. به نظر می‌رسد رویه‌یاد‌های تروریستی اخیر در اروپا بهانه لازم برای ترامپ به منظور اجرای طرح‌های مسلمانان وی را فراهم ساخته است. ترامپ طی قریب‌های انتخاباتی امریکا به بهانه مبارزه با تروریسم، اعلام کرد باید از ورود مسلمانان به خاک امریکا جلوگیری شود. این سخنان وی انتقادهای گسترده‌ای را از داخل و خارج امریکا متوجه ترامپ کرد. اکنون با صدور فرمان اجرایی اخیر، نگرانی‌ها درباره افزایش جو ضداسلامی و اقدام علیه مسلمانان این کشور شدت یافته است. نکته‌ای که باید در زمینه ادعای ترامپ علیه اسلام و مسلمانان به آن اشاره کرد این است که تنها شمار بسیار معدودی از مسلمانان افراط‌گرا بوده و در عین حال اکثریت قاطع مسلمانان به ویژه در امریکا با اقدامات خشونت‌گرانه این افراد افراد گرا به شدت مخالف هستند. به این ترتیب آیا درست است که به صرف انجام اقدامات خشونت‌آمیز از جانب افراد بسیار معدودی که شمار آنها در مقایسه با مجموع مسلمانان اساساً به حساب نمی‌آید، این‌گونه اقدامات را به حساب همه مسلمانان گذاشت و برخورد غیرمنصفانه و ناعادلانه با همه آنها داشت. اقدامی که ترامپ با صدور فرمان اجرایی خود به آن مبادرت کرده یعنی ممنوعیت ورود مسلمانان به امریکا، در واقع به مثابه محازات جمعی مسلمانان در امریکا و خارج از امریکا است.

■ **برکناری وزیر دادگستری امریکا**

در پی صدور بیانه‌ی‌ای از سوی سالی بیشت(Sally Yates) وزیر دادگستری و دادستان کل موقت امریکامبنی بر غیرقانونی بودن ممنوعیت ورود شهروندان هفت کشور مسلمان به این کشور، دونالد ترامپ وی را روز دوشنبه ۱۱ بهمن ۲۰۱۶ ژانویه) از کار برکنار کرد. ترامپ پس از برکناری بیشتن در پیامی در صفحه فیس بوک خود تأکید کرد که «سالی بیشت با صدور فرمان اجرایی استثنای رئیس‌جمهور که هدف از صدور آن حفاظت از شهروندان امریکایی بوده است وزارت دادگستری را سرخورده کرد.» ترامپ سپس در حکمی «دانا بوئنته» (Dana Boente) ابراری این مقام برگزید. سالی بیشت پیشتر به وکلای این وزارتخانه دستور داده بود که از فرمان اجرایی رئیس‌جمهوری امریکا در مورد منع ورود شهروندان هفت کشور به امریکا دفاع نکنند.

ترامپ پس از صدور فرمان‌های اجرایی متعدد درباره مسائل مختلف داخلی امریکا، اکنون با صدور فرمانی که عملاً جنبه بین‌المللی دارد با بازخورد‌های غیرمنتظره آن مواجه شده است. در واقع فرمان اجرایی ممنوعیت ورود مسلمانان هفت کشور به امریکانه فقط با مخالفت‌های گسترده جهانی مواجه شده، بلکه در داخل امریکانیز این فرمان مخالفانی جدی پیدا کرده است. با توجه به اینکه مردم امریکا بعد از این فرمان با فرودگاه‌ها به ابراز مخالفت با این اقدام پرداخته و خواهان لغو آن شده‌اند، اکنون این مخالفت‌ها به سطح دولتی و کنگره امریکانیز تسری پیدا کرده است. مخالفت صریح «سالی بیشت» و وزیر دادگستری و دادستان کل موقت امریکا با این فرمان، یکی از جدی‌ترین و مهم‌ترین مخالفت‌ها در این زمینه محسوب می‌شود و ترامپ در وضعیتی انفعالی قرار داد، به نحوی که وی با دست‌نچسبگی به برکناری وی مبادرت کرد. ترامپ در انتقادی صریح از سالی بیشت، وی را یکی از منصوبان دولت اوباما دانسته که در زمینه مرزها و مهاجرت غیرقانونی بسیار ضعیف عمل کرده است. از سوی دیگر شاهد آن بودیم که هم‌زمان با موضع‌گیری وزیر دادگستری موقت امریکا علیه این فرمان، دموکرات‌های کنگره امریکا در مقابل دیوان عالی این کشور تجمع اعتراضی برپا کردند. در واقع اکنون ترامپ خود را ناچار می‌بیند با مقامات بازمانده از دولت دموکرات قبلی امریکا تا زمان نهایی شدن انتصاب مقامات مورد نظر وی کل‌کنند، در حالی که آشکارا برخی از این مقامات از جمله وزیر دادگستری موقت آشکارا با سیاست‌ها و اقدامات وی مخالف بوده و آن را بر خلاف قوانین امریکا می‌دانند. اکنون ترامپ در برخورد با این مخالفت‌ها با دو راهکار مواجه است؛ یا با شدت به اعمال این فرامین به ویژه فرمان اجرایی ممنوعیت ورود اتباع هفت کشور اسلامی ادامه دهد که در این صورت وی چاره‌ای جز مقابله با موج گسترده مخالفت‌های داخلی و جهانی نخواهد داشت. اما این کار سهل و آسانی نیست و به ویژه اینکه اکنون نه فقط مقامات این هفت کشور اسلامی و سران کشورهای متحد امریکا به ویژه در اروپا این اقدام را محکوم کرده‌اند، بلکه دو مقام ارشد سازمان ملل یعنی آنتونیو گوتروش دبیر کل و زید رعدالحسین کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل نیز صراحتاً بر غیرقانونی بودن فرمان اجرایی رئیس‌جمهوری امریکا تأکید کرده‌اند که بدین ترتیب این مسئله تبدیل به چالشی بین‌المللی برای ترامپ می‌شود. گزینده دیگر ترامپ عقب‌نشینی از این فرمان اجرایی است که این نیز به مثابه ضعف و تلافی شده و ناچار خواهد بود تا عملاً در زمینه دیگر اقدامات خود نیز عقب‌نشینی کند. چنین اقدامی نیز در همین ابتدای کار، به مثابه ضربه زدن به پرستیژ و موقعیت ترامپ محسوب می‌شود.

به عنوان گاو شیرده برای امریکا حفظ کنند.